


An Analysis of Urban Livability Dimensions in Tehran: Emphasizing Sustainable Development (A Case Study of the Sirous Neighborhood)

Mohammad Mehdi Rajaei Fard

Ph.D. Student in Environmental Management, Department of Environment, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran.


Email: esfand125@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Azita Behbahaninia

Associate Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran.

Email: Az.behbahaninia@iau.ac.ir

 0000-0002-6568-5560

Hasan Samadyar

Assistant Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran.

Email: hasansamadyar@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Saeed Motahari

Assistant Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran.

Abstract

Increasing urbanization and population growth have brought forth numerous challenges in urban environments. This unyielding expansion, encompassing aspects of physical, social, economic, and environmental dimensions, has impeded the realization of sustainability in urban contexts. Compounded by issues like environmental pollution and diminished tranquility among inhabitants, these developments have adversely affected the quality of urban life. Consequently, the concepts of livability and sustainable development have gained paramount importance in contemporary urban settings. This study aims to analyze the livability of the Cyrus neighborhood, with a focus on sustainable development in District 12 of the Tehran Municipality. Methodologically, this research adopts a descriptive-analytical approach and falls under the category of applied research, aiming to address specific objectives. The statistical population encompasses experts from the Tehran Municipality of District 12 and the Cyrus Neighborhood Development Office, utilizing probability and stratified sampling techniques. The research results offer an in-depth analysis and comprehension of the Cyrus neighborhood's livability, centered on sustainable development. It proposes a model grounded in the theoretical framework and data analyzed through a one-sample T-test and structural equation modeling. The findings reveal that, when viewed through the lens of sustainable development, the livability status in the Cyrus neighborhood is deemed average and unsatisfactory. Structural equation modeling results demonstrate that physical-environmental factors, with a beta coefficient of 34.24, exert the most influence on the neighborhood's livability. In contrast, managerial factors, with a beta coefficient of 4.2, exhibit the least impact.

Keywords: Urban Livability, Sustainable Development, Tehran, Sirous Neighborhood.




تحلیل ابعاد زیست پذیری منطقه ۱۲ شهرداری تهران با تأکید بر توسعه پایدار (مطالعه موردی: محله سیروس)

محمد مهدی رجایی فرد

دانشجوی دکتری مدیریت محیط زیست، گروه محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.


Email: esfand125@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

آزیتا بهبهانی نیا

دانشیار گروه محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.


Email: Az.behbahania@iau.ac.ir

 0000-0002-6568-5560

حسن صمدیار

استادیار گروه محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.

Email: hasansamadyar@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

سعید مطهری

استادیار گروه محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.

چکیده

افزایش شهرنشینی و بالا رفتن جمعیت، مشکلات زیادی برای شهرها به وجود آورده است. تداوم رشد شهرنشینی با مسائل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی منجر به عدم تحقق پایداری در شهرها شده است. علاوه بر این مشکلاتی دیگر مانند آلودگی‌های محیطی و عدم آرامش خاطر ساکنان موجب کاهش کیفیت زندگی در شهرها شده است. بنابراین زیست‌پذیری و توسعه پایدار امروزه در شهرها بسیار حائز اهمیت است. هدف پژوهش حاضر تحلیل زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار منطقه ۱۲ شهرداری تهران می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر روش و ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده و از حیث هدف پژوهش در دسته تحقیقات کاربردی قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان شهرداری منطقه ۱۲ تهران و دفتر توسعه محله‌ای سیروس می‌باشد و روش نمونه‌گیری احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. دستاورد در پژوهش حاضر نشان‌دهنده تحلیل و شناخت زیست‌پذیری محله سیروس منطقه ۱۲ شهرداری تهران با تأکید بر توسعه پایدار و ارائه مدل پیشنهادی بر اساس چهارچوب نظری پژوهش همچنین تحلیل داده‌ها طبق آزمون تی تک نمونه‌ای و مدل معادلات ساختاری است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار در وضعیت نامطلوب و متوسط قرار گرفته است. نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری نشان می‌دهد که عوامل کالبدی-محیطی با ضریب بتای ۳۴/۲۴ بیشترین تأثیرگذاری را بر زیست‌پذیری در محله مورد مطالعه دارد و عوامل مدیریتی با ضریب بتای ۴/۲ کمترین تأثیرگذاری را دارد.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری شهری، توسعه پایدار، تهران، محله سیروس.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه افزایش جمعیت موجب رشد شهرنشینی شده است و پیامدهای زیان‌باری در زمینه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای شهرها به وجود آورده است. ادامه روند رشد شهرنشینی موجب عدم تحقق توسعه پایدار در شهرها می‌شود. مشکلاتی چون آلودگی‌های محیطی و ... کیفیت زندگی و به تناسب آن میزان زیست‌پذیری در کلان‌شهرها را کاهش می‌دهد. توسعه پایدار شهری بر اساس سال‌های اخیر به تدریج به مفهومی جدید در برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. این مفهوم اگرچه متکی به تفسیرهای مختلف و متعدد است اما در کل بر استمرار و پایداری رشد و توسعه برای تمام نسل‌های آینده بر اساس یکپارچگی در ابعاد کالبدی- فیزیکی، تحقق برابری اجتماعی و اقتصادی و بالا بردن کیفیت در محیط طبیعی و عامل زمان در شهر تأکید دارد (Mousavi, 2016, p. 17).

یکی از مباحث مورد تأکید در مفهوم پایداری شهری، اهمیت مفهوم زیست‌پذیری است. مفهوم زیست‌پذیری، به شهری گفته می‌شود که در آن به ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی، تحقق برابری اجتماعی- فرهنگی، برابری اقتصادی و آرامش خاطر همه ساکنان شهر توجه شده است. اصول مهم که مفهوم زیست‌پذیری معنا می‌دهد شامل برابری اجتماعی، اقتصادی است. شهری که در آن می‌توان یک زندگی استاندارد داشت یعنی زیست‌پذیری در آن تحقق دارد. این‌گونه شهر، شهری است برای همه مردم به‌عنوان یک عامل اتصال‌دهنده بین زمان گذشته و زمان کنونی است چنین شهری از یک‌طرف به ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی و از سوی دیگر به آنچه در آینده رخ خواهد داد، اهمیت می‌دهد. این‌گونه شهرها مخالف از دست رفتن منابع طبیعی است. زیرا نسل‌های آینده هم باید بتوانند از این منابع استفاده کنند. یک شهر زیست‌پذیر می‌تواند یک شهر با ویژگی‌های پایدار نیز باشد. در بسیاری از پژوهش‌ها مفهوم شهر زیست‌پذیر با مفهوم کیفیت زندگی مانند هم در نظر گرفته شده است. مفهوم کیفیت زندگی از طریق شهروندان ساکن در یک شهر به وجود می‌آید. علاوه بر آن با قابلیت دسترسی ساکنان یک شهر به خوراک، پوشاک، مسکن، زیرساخت‌های مناسب، بالا بودن کیفیت محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها و حفظ فضای سبز ارتباط دارد (Faraji Melai, 2014, p. 61).

از نظر مفهوم کالبدی- فضایی توسعه پایدار شهری به معنای تغییرانی است که در کاربری اراضی و سطوح تراکم در راستای برطرف کردن نیازهای اساسی ساکنان یک

شهر در زمینه خوراک، پوشاک، مسکن، موارد تفریحی و حمل‌ونقل به عمل آید تا در طول زمان نظر زیست‌محیطی شهر برای ساکنان قابل زندگی باشد. در توسعه پایدار شهری، موضوع حفظ منابع شهر برای زمان حال و زمان آینده به‌واسطه استفاده درست و منطقی از منابع موجود در محیط طبیعی و جلوگیری در برابر از بین رفتن منابع تجدیدناپذیر مطرح می‌شود. در نهایت اصل مهم در توسعه پایدار شهری دستیابی به برطرف کردن نیازهای ساکنان شهر و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. در کشور ایران نیز تغییر و تحولات بیرونی که متکی بر شهرگرایی بود، تغییرات بنیادی در نظام شهرنشینی کشور ایران به وجود آورد (ساسان‌پور و اسدآبادی، ۱۳۹۳). در راستای این تحولات ساختاری جمعیت شهرنشین کشور به‌شدت رشد کرد به طوری که این جمعیت به مرز ۸۱ درصد در سال ۱۳۹۰ رسید. از این‌رو با رشد جمعیت امکانات و زیرساخت‌های شهری با فشار جمعیتی مواجه شده است و کیفیت مطلوب زندگی کاهش پیدا کرده است. از این‌رو روابط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌صورت نامتعادل برقرار شده است (Gooderzi, 2018, p. 9). از سوی دیگر می‌توان گفت نقطه آغاز و پیدایش در هر شهر، هسته مرکزی و تاریخی آن است که بدنه شهر به تدریج در اطراف آن پدید می‌آید. تا قبل از بهره‌برداری‌های گسترده انسان، رشد تکنولوژی و تسلط دیدگاه مدرنیسم، بخش مرکزی و محیط شهری پیرامون آن، متناسب با هم و در ارتباطی منطقی با یکدیگر رشد می‌کردند. اما از ابتدای قرن بیستم، در بسیاری از شهرهای جهان رشد پیکره شهری به قیمت زوال و افت بخش مرکزی آن بوده است. این در حالی است که اولین اقداماتی که در زمینه شهرسازی صورت گرفته بیشتر روی بخش‌های قدیمی شهرها متمرکز شده بود. از اوایل قرن بیستم تا دهه‌های میانی نیمه دوم آن، کمتر می‌توان شاهد توسعه‌ای تدریجی و منظم در این بخش بود. مطالعات انجام‌شده در مراکز اکثر شهرهای جهان نیز حکایت از وجود وضعیت نامطلوب و مشکلات فراوان در اغلب آن‌ها دارد (Khazainejad, 2018, p. 45).

کاهش جمعیت محله‌های بخش مرکزی شهر تهران و حرکت جمعیت به‌سوی لایه‌های بیرونی‌تر از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی است که بخش مرکزی شهر تهران با آن مواجه است. هم‌چنین می‌توان به توسعه کاربری‌های تجاری و سطوح کارگاهی در سطح منطقه اشاره کرد که موجب کاهش امنیت و ایجاد مزاحمت‌هایی در محله‌های مسکونی شده است. غلبه کاربری‌های فرامنطقه‌ای و فرا شهری (از جمله مهم‌ترین کارکردهای فرامنطقه‌ای در این بخش می‌توان به محله سیروس - بازار با

۹۵ درصد، نهادهای و مراکز اداری با ۸۰ درصد و حمل‌ونقل و انبارداری با ۷۷ درصد کارکرد فرامنطقه‌ای اشاره کرد) باعث کمبود کاربری‌هایی در سطح محلات منطقه‌ای (فضای سبز، کاربری آموزشی و تفریحی‌ورزشی) شده است. دارا بودن کمترین سهم از ساختمان‌های ساخته‌شده از مصالح بادوام و کمترین سهم از دریافت پروانه نوسازی باعث شده بخش عمده محله سیروس در شرایط ناپایدار و بافت فرسوده قرارگیرد. این مسئله همچنین موجب کاهش سکونت اقشار اجتماعی بالا و متوسط و گسترش قشر متوسط رو به پایین (مهاجران تازه‌وارد، کارتن‌خواب‌ها و معتادان) شده است. همچنین می‌توان به بالا بودن میزان وقوع جرائم و ناامنی اشاره کرد. مشکلات ذکرشده از یک‌سو و تمایل به توسعه و سرمایه‌گذاری در حومه و لایه‌های بیرونی‌تر شهر به علل مختلف از جمله ارزانی قیمت زمین و مسکن، جاذبه‌های اکولوژیکی چون هوای پاک و سالم از سوی دیگر، باعث افت کیفیت زندگی، کاهش سرزندگی، افت زیست‌پذیری و کاهش رونق زندگی اجتماعی، زوال فیزیکی کالبدی و کارکردی در محله سیروس شده است.

با توجه به ویژگی‌های زیست‌پذیری با تأکید بر توسعه پایدار وضعیت در بخش مرکزی شهر تهران و محله سیروس به‌گونه‌ای است که هرچه در درون و مرکز شهر فرسودگی گسترش یابد و جمعیت ساکن به بیرون پرتاب شود، منابع طبیعی بیشتری از بین می‌رود و به محیط و شرایط زیست انسان فشار بیشتر وجدی‌تری وارد می‌شود. در شهر تهران و در محله سیروس، جابه‌جایی پلکانی قشر ثروتمند و بالطبع برخی فعالیت‌ها و امکانات شهری از مرکز تاریخی شهر تهران به سمت شمال، همراه با روند افزایش قیمت زمین در شمال و کاهش آن در جنوب و مرکز شهر در دهه‌های اخیر، سبب تشدید فرسودگی محلات بخش مرکزی شهر تهران و گرایش‌های حاشیه و حومه‌نشینی شده است. به‌گونه‌ای که باقی‌ماندن ساختمان‌ها، مکان‌های دولتی و حکومتی در محله سیروس و گسترش فعالیت‌های تجاری و کارگاهی در امتداد خیابان‌ها نیز نتوانسته است مانع از مهاجرت ساکنان بومی و قدیمی محله‌های مسکونی و کاهش سرزندگی و جذابیت خیابان‌ها و فضاهای محله امنیت آن‌ها شود. از این‌رو جاذبه‌های تفریحی مانند مراکز خرید، رستوران‌ها و ... اگر هم برجا مانده‌اند، از کیفیت گذشته بی‌بهره‌اند.

ترک ساکنان قدیمی، کاهش قیمت زمین و ایجاد فرسودگی در محله سیروس شرایطی را ایجاد کرده‌اند که در مجموع به زیان حفظ ارزش‌ها، هویت فضایی و

اجتماعی این بخش از منطقه شده است به‌نحوی که تاریخ و هویت اجتماعی این بخش همراه با کلیه نشانه‌های کالبدی و فضایی آن را در وضعیت نامطلوبی قرار داده است. به‌گونه‌ای که باعث گسترش برخی کارکردهای محله به خارج از مرزهای آن و به‌طور کلی خطر زوال، انحطاط تدریجی و افت شاخص‌های زیست‌پذیری در این محله شده است. نظر به اهمیت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، تاریخی و فرهنگی منطقه ۱۲ شهرداری تهران و بالأخص محله سیروس، و اهمیت فرامنطقه‌ای بخش مرکزی شهر تهران که محل تمرکز اکثر فعالیت‌ها و عملکردهای برتر و فرا شهری است و باید به‌عنوان نماد و عرصه اصلی بروز تعاملات اجتماعی و تجلی‌گاه خاطرات جمعی و همچنین تبلور حیات مدنی و هویت اجتماعی شهروندان کل شهر ایفای نقش کند، ضرورت و لزوم پژوهش حاضر نمایان می‌شود (Khorasani, 2015, p. 9). با توجه به اهمیت اقتصادی، سیاسی، تاریخی و کالبدی محله سیروس در منطقه ۱۲ شهر تهران و وضعیت نه‌چندان مطلوب آن در زمان حاضر مسئله محوری پژوهش حاضر این است که چه عواملی بر زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ شهر تهران با تأکید بر توسعه پایدار اثرگذار بوده است؟

۱. پیشینه پژوهش

ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان (حل چالش‌های حکمرانی شهری: ارزیابی عینی و بینش کارشناسان در مورد زیست‌پذیری منطقه، شنژن) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر چالش‌های حکمرانی شهری در راستای زیست‌پذیری شنژن پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که اکثر جوامع نمرات بالایی در زیست‌پذیری به دست آورده‌اند، مناطق خاصی از نظر سیل، آلودگی و امکانات عمومی عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند که تغییرات فضایی قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. به‌طور کلی، یک تمایز فضایی سلسله‌مراتبی در زیست‌پذیری وجود دارد که به تدریج از مرکز به مناطق بیرونی کاهش می‌یابد. برای کشف چالش‌های حاکمیت شهری در پس این یافته‌های فضایی، تحلیل موضوعی انجام شد و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۰ کارشناس محلی انجام شد. چهارچالش به‌طور خاص شناسایی شد: فقدان سیاست‌های حمایتی در حکمرانی سیل؛ مشکل در نظارت بر آلودگی؛ عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در حکمرانی تسهیلات عمومی؛ اختلافات بر سر حاکمیت مناطق کم‌زیست‌پذیر به نام «روستاها شهری».

این مطالعه یک رویکرد تحقیقاتی اکتشافی برای ارزیابی زیست‌پذیری ارائه می‌کند و بینش‌هایی را برای حکومت شهری آینده ارائه می‌دهد.

اوروج و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان (رویکردی یکپارچه برای توسعه شاخص ترکیبی زیست‌محیطی شهری) به بررسی و تجزیه و تحلیل زیست‌پذیری شهرهای منتخب در پنجاب، یعنی لاهور، راولپندی، گجرانوالا، فیصل‌آباد، مولتان، سارگوده، سیالکوت و باهوالپور پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توزیع کلی فضایی به شدت فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌دهد. پایین‌ترین شهر باهوالپور است که به نظر می‌رسد به دلیل نرخ کم گسترش، ارتباط کمتر با سایر شهرهای منطقه دارد (Urooj, 2022). در پژوهشی توسط فولادی و همکاران (۱۴۰۱) دستیابی به امنیت زیست‌محیطی در تهران با روش سوات و آزمون تی تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داد شهر تهران با چالش‌های محیط‌زیستی مواجه است. رعایت برنامه استراتژیک توسعه شهری به‌عنوان یک راه‌کار در دستیابی به امنیت زیست‌محیطی تأثیر معنا دارد (Fouladi, 2022).

کواکس و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان (فرصت‌ها و چالش‌های تحلیل جغرافیایی برای ارتقای زیست‌پذیری شهری در عصر داده‌های بزرگ و یادگیری ماشینی) به پتانسیل و همچنین محدودیت‌های منابع داده جدید در تجزیه و تحلیل شهری می‌پردازد تا دید کلی بهتری از این منابع داده جدید داشته باشد. هدف نهایی هر تحلیل یا اقدام برنامه‌ریزی شهری، ارتقای کیفیت زندگی در شهرها است این امر مستلزم در نظر گرفتن جنبه‌های کیفی (مانند ادراک یا رضایت ساکنان) نیز فراتر از تحلیل صرفاً مبتنی بر داده و فناوری متمرکز است. این رویکرد کیفی دارای محدودیت‌های ذاتی است که تنها با داشتن داده‌های بزرگ یا روش‌های یادگیری ماشین می‌توان تا حدی بر آن غلبه کرد (Kovacs & Partners, 2020).

زانلا (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان (ارزیابی و عوامل تعیین‌کننده رضایت از زیست‌پذیری شهری در چین) برای بررسی درک رضایت ساکنان از زیست‌محیطی شهری در چین، مدل آشکارساز جغرافیایی نشان می‌دهد که هر شش بعد مورد تأکید تأثیرات مثبت و معنی‌داری بر رضایت کلی از زیست‌محیطی شهری دارند که محیط طبیعی و سلامت محیط از بزرگ‌ترین عوامل کمک‌کننده هستند. علاوه بر این، ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی فردی مانند موقعیت جغرافیایی، نوع مسکن،

تحصیلات، اندازه خانواده، سن، نیز تأثیرات قابل‌توجهی بر رضایت کلی از زیست‌محیطی شهری به ترتیب نزولی دارند (Zanella, 2015).

نوش‌آبادی و همکاران در پژوهشی به تعیین پیش‌ران‌های کلیدی مؤثر بر زیست‌پذیری شهر کاشان با رویکرد آینده‌پژوهی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این است که تعداد ۵ سناریو با ساختارهای متباین از سه وضعیت شامل مطلوب، ایستا و بحرانی که احتمال وقوع در زیست‌پذیری شهر کاشان را دارند که با این وجود، اتفاق‌های پیشامدهای منفی بیشتر از پیشامدهای مثبت است. با این وضعیت می‌توان گفت وضعیت‌های مطلوب و ایستا بخش کمتری از صفحه سناریوها را به خود اختصاص داده‌اند و وضعیت بحرانی در نخستین اولویت قرار گرفته است (Ashnoyi, nosh Abadi, 2020, p. 19).

زیاری و همکاران با روش ارزیابی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های زیست‌پذیری در شهر بم در مطالعه‌ای با عنوان تحقیق توصیفی - تحلیلی مبتنی بر استفاده از روش اسنادی و پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها و استفاده از نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به این نتایج رسیدند که به اولویت معیارهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی و خدماتی بیشترین تأثیر را بر وضعیت زیست‌پذیری بم دارند (Ziyari, 2017, P. 19).

خرزاعی‌نژاد در پژوهشی به بررسی وضعیت زیست‌پذیری در بخش مرکزی (محلات منطقه ۱۲) کلان‌شهر تهران پرداخته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه و در جهت تحلیل وضعیت زیست‌پذیری از روش‌های آماری همانند تی‌تک نمونه‌ای و آنوا استفاده کرده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که، در بعد اقتصادی: محله‌های کوثر و آبشار نامطلوب‌ترین و محله‌های ایران و قیام مطلوب‌ترین، در بعد اجتماعی: محله شهید هرنندی بدترین وضعیت و محله‌های قیام و ایران زیست‌پذیرترین محله‌ها، در بعد تاریخی ناز زیست‌پذیرترین محله، کوثر و مطلوب‌ترین محله‌ها سنگلج، در بعد خدمات و زیرساخت‌ها: نامطلوب‌ترین شرایط مربوط به محله پامنار و بهارستان و مطلوب‌ترین شرایط در محله قیام، در بعد محیطی: نامطلوب‌ترین محله‌ها، محله بازار و امامزاده یحیی و مطلوب‌ترین آن‌ها محله‌های قیام و سنگلج و در بعد مدیریت شهری: ناز زیست‌پذیرترین محله بازار و زیست‌پذیرترین آن‌ها محله پامنار و ایران هستند، بنابراین در حال حاضر، به‌طور کلی منطقه ۱۲ و محله‌های آن در ابعاد یادشده دچار ضعف و نقصان بوده و سطح پایینی از زیست‌پذیری را نشان می‌دهند (Khazainejad, 2018, P. 45).

بررسی پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که پژوهش حاضر نزدیک به مطالعات زانلا است که در تحقیقی با عنوان (ارزیابی و عوامل تعیین‌کننده رضایت از زیست‌پذیری شهری در چین) به بررسی درک رضایت ساکنان از زیست‌محیطی شهری در چین در سال ۲۰۱۸ پرداخته است. بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که پژوهش حاضر نزدیک به رساله دکتری خزاعی‌نژاد است. وی به بررسی وضعیت زیست‌پذیری در بخش مرکزی (محلات منطقه ۱۲) کلان‌شهر تهران پرداخته است.

از سوی دیگر بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌ها در تحلیل وضعیت زیست‌پذیری با تأکید بر توسعه پایدار مناطق شهری بر عوامل کالبدی و محیطی و اجتماعی تأکید داشتند. اما پژوهش حاضر تمام عوامل پنج‌گانه کالبدی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را در تحلیل زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار مورد مطالعه قرار داده است.

۲. مبانی نظری

زیست‌پذیری شامل بازسازی و بازنگری برنامه‌ریزی شهری است تا بر این اساس محیطی را برای اشتغال و امور تفریحی فراهم کند. زیست‌پذیری با پشتیبانی زیرساخت‌های مناسب، ارائه خدمات عمومی، تأمین نیازهای خوراک، پوشاک، مسکن، دسترسی به فرصت‌های شغلی و بهبود کیفیت محیط طبیعی برای تجربه کیفیت زندگی توسط ساکنان محلی مطرح شده است (Zanella, 2015, p. 3).

«پیتر ایوانز»^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از فهم زیست‌پذیری به صورت خوشه‌ای، کاربرد این مفهوم را در کشورهایی که در حال توسعه هستند مرتبط با برطرف شدن نیازهای اولیه چون خوراک، پوشاک، مسکن و رفاه نسبی برای شهروندان می‌داند و با مفهوم زیست‌پذیری در کشورهای پیشرفته تفاوت دارد. از این رو در کشورهای پیشرفته، برطرف شدن نیازهای اساسی از طریق هزینه کردن به واسطه اموال فردی امکان‌پذیر است. تعریف خوشه‌ای از زیست‌پذیری به خوبی نشان می‌دهد که الگوهای مرتبط با این مفهوم می‌تواند از طریق خوشه‌ای از موفقیت‌ها قابل مشاهده باشد که در یک طرف این خوشه نیازهای اساسی بشر و مرتبط با زندگی و در طرف دیگر خوشه پرداختن به نیازهای ثانویه قرار گرفته است. ممکن است مجموعه هرم نیازهای مازلو که مطابق نظر او کشورهای در حل توسعه همچنان به دنبال رفع نیازهای اولیه، و

1. Evans, P

افراد در کشورهای پیشرفته در حال رفع نیازهای ثانویه هستند، بیانگر این موضوع است (Evans, 2002, p. 96). لیس در مباحث شهری نشان می‌دهد که زیست‌پذیری یک مبحث چندجانبه است. به‌عنوان نمونه در شهرهای آمریکا مفهوم زیست‌پذیری اشاره به بالابودن کیفیت زندگی ساکنان در شهر دارد؛ از سوی دیگر در اوکراین مفهوم زیست‌پذیری فقط روی پاکیزگی محیط‌زیست و حفظ فضای سبز در شهر تمرکز می‌کند (Kovacs & Partners, 2020, p. 23).

یک شهر زیست‌پذیر از نظر سالزانو شهری است که ارتباط میان زمان گذشته و زمان آینده را در نظر گیرد. شهر زیست‌پذیر بر اساس ویژگی‌های تاریخی بین افراد در گذشته و افراد در آینده ارتباط برقرار خواهد کرد. از این رو حفظ منابع طبیعی در زمین و از بین بردن آسیب به این منابع، برای نسل بشر تلاش می‌کند. از نظر وی در یک شهر زیست‌پذیر برای پیشرفت اجتماع باید میان ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی ارتباط برقرار باشد تا موجب ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی کل جامعه شود (soleymani, 2012, p. 14).

ووکان و وچیک بر این باور است که مفهوم شهر زیست‌پذیر باید دربرگیرنده عناصر مسکن، محله و ناحیه مادر شهری باشد که جملگی در امنیت، فرصت‌های اقتصادی و رفاه، سلامت، راحتی، جابه‌جایی و تفریح شهر مؤثر هستند. داون داک و ولدبوئر زیست‌پذیری را پیوند میان رفاه و اجتماع می‌دانند. مارثمن و لیدمیچر ارزیابی مطلوب ساکنان از محیط زندگی‌شان را اساس زیست‌محیطی می‌داند و پلر محله زیست‌پذیر را لذت‌بخش، امن، مقرون‌به‌صرفه و حامی انسان تعریف می‌کند (dongsheng, 2018, p. 79).

از نظر پیرسون و همکاران مؤلفه‌های زیست‌پذیری سکونت‌گاهی شامل موارد زیر است: دسترسی به خدمات با کیفیت بالا در سطح محله مانند سیستم‌های حمل‌ونقل، مدارس و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، مسیرهای در دسترس برای حرکت پیاده، سن ساکنان، جنس ساکنان، تنوع در ویژگی‌های قومی، شرایط کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی، امنیت، پایداری و فرصت‌های موجود برای مشارکت اجتماعی شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری، استقلال در فضاهای خصوصی، احساس حس تعلق به مکان و مالکیت و هویت منحصر به فرد، ثبات و پایداری اقتصادی از نظر کاربری‌های تجاری- اداری، قیمت مسکن، توجه به پیرامون شهرها (حومه‌ها و روستاها)، وجود تسهیلات یادگیری در طی زندگی، محیط فیزیکی-کالبدی باکیفیت، مشاغل، فرصت‌های

موجود برای زندگی با کیفیت، طراحی محله‌های شهری، چشم‌اندازها از منظر زیباشناختی، پاکیزگی هوا، احساس ارتباط داشتن با سایر محلات و وابستگی به ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی در شهر، مشارکت مدنی، مشارکت سیاسی و فعالیت‌های داوطلبانه (Brian, 2009, p. 209).

مفهوم توسعه پایدار شهری برگرفته از مباحث کارشناسان محیط‌زیست است. توسعه پایدار در ارتباط با مشکلات به وجود آمده زیست‌محیطی مانند انواع آلودگی‌ها است و تلاش می‌کند با حفاظت از منابع طبیعی، کیفیت محیط‌زیست ارتقا یابد. در مباحث توسعه پایدار مفاهیمی چون حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های حال و آینده از طریق استفاده بهینه از منابع موجود در زمین و کاهش آسیب به منابع تجدیدنپذیر مورد توجه قرار گرفته است (Aref Hosseini, 2019, p. 74).

مفهوم زیست‌پذیری و مفهوم پایداری دارای اهداف مشابه هستند اما به‌طور کلی دارای اصول دارای اولویت و چشم‌اندازهای مختلفی هستند به‌عنوان نمونه هر دو مفهوم زیست‌پذیری و پایداری به دنبال از بین‌بردن آلودگی‌های محیطی در شهر و پیرامون آن هستند، اما تأکید اصلی مفهوم پایداری بر روی انرژی‌های تولیدشده‌ای است که باعث آلودگی‌های محیطی می‌شود (Flynn et al, 2002, p. 5). زیست‌پذیری بر ارتقای کیفیت زندگی مبتنی بر مکان، وجود ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای اکنون و در لحظه است و نه در آینده. بنابراین اساساً گفتمان زیست‌پذیری به سمت فایده‌گرایی متمایل می‌یابد (Evns, 2002, p. 114). پایداری دارای یک سری ارزش‌های کلی بوده و بر مبنای گزارش‌های جهانی مانند گزارش برانتلند مفهوم پایداری باید دارای سه بخش کیفیت بالای محیط‌زیست و تحقق برابری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی باشد و هدف نهایی پایداری است استفاده نسل‌های آینده از منابع طبیعی بدون وارد کردن آسیب به این منابع است. این در حالی است که مفهوم زیست‌پذیری بر روی موضوعاتی تمرکز دارد که مربوط به زمان حال است و بیشتر از اینکه به بستر در سطح جهانی اهمیت دهد بر روی بستر در سطح محلی و بومی اهمیت می‌دهد. از طرف دیگر بسیاری از کارشناسان آکادمیکی بر این باور هستند که زیست‌پذیری و پایداری دارای همپوشانی هستند. اما استدلال‌های که چرایی این شباهت را بیان می‌کند شباهتی به هم ندارند (Flynn et al, 2002, p. 5).

دور و ملیر به مباحث متنوعی را در ارتباط با مفهوم زیست‌پذیری و عدم تحقق توسعه پایدار در شهرهای متراکم پرداخته‌اند. آن‌ها عقیده دارند که مفهوم

زیست‌پذیری برابر با مفهوم پایداری نیست. به این دلیل که مفهوم زیست‌پذیری بر قابلیت‌های موجود در یک محله یا ناحیه شهری تأکید دارد و مفهوم پایداری بر حوزه کالبدی- فضایی وسیع‌تری تأکید دارد (Evans, 2002). اصول زیست‌پذیری شامل تحقق برابری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و ارتقای کیفیت محیط‌زیست است که در واقع مؤلفه اصلی برای تحقق پایداری است. زیست‌پذیری و پایداری دارای اشتراکاتی باهم هستند و در واقع ارتقای ویژگی‌های پایداری موجب بهبود ویژگی‌های زیست‌پذیری خواهد شد (Khorasani, 2005, p. 12). وضعیت زیست‌پذیری به‌عنوان جزئی از توسعه پایدار در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل شماره (۱): زیست‌پذیری جزئی از توسعه پایدار (Evans, 2002)

۳. محدوده مورد مطالعه

محدوده محله سیروس بخشی از تهران قدیم را در برمی‌گیرد که در تقسیم‌بندی شهری تهران امروزی در منطقه ۱۲ واقع شده و به همراه بازار تهران به‌عنوان بخشی از محله بازار را تشکیل می‌دهد.

محله سیروس از شمال به خیابان ۱۵ خرداد، از جنوب به خیابان مولوی، از شرق به خیابان ری و از غرب به خیابان امام‌خمینی^(۵) متصل شده است. هرچند این محله از ویژگی‌های بافت تاریخی برخوردار است اما بر اساس ویژگی‌های معماری - شهرسازی شهرداری تهران، تحت محدوده بافت فرسوده مصوب و بافت ناپایدار واقع شده است.

موقعیت جغرافیایی محله سیروس در منطقه ۱۲ شهرداری تهران در شکل ۲ قابل مشاهده است.



شکل شماره (۲): موقعیت جغرافیایی محله سیروس (بازار) در منطقه ۱۲ شهرداری تهران (Khazainejad, 2018)

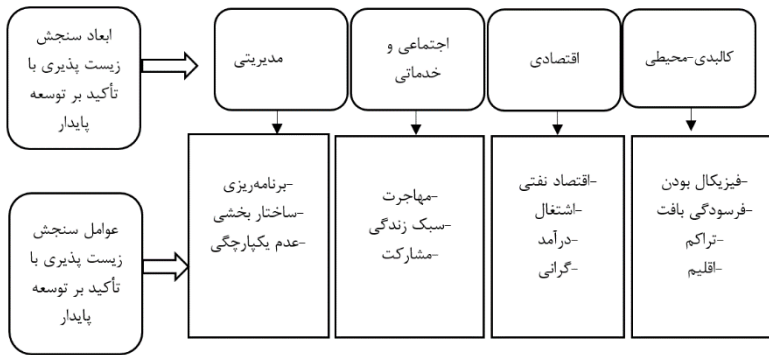
۴. روش تحقیق

پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت تحلیلی و از نظر روش، کیفی- کمی است. با توجه به ماهیت موضوع و مسئله پژوهش، جامعه آماری را ۳۸۳ نفر از کارشناسان، خبرگان و مسئولین ذی ربط شهرداری منطقه ۱۲ تهران، دفاتر توسعه محله‌ای سیروس، اساتید دانشکده‌های محیط‌زیست شهری تشکیل می‌دهند و تکنیکی که در این راستا استفاده شده تکنیک دلفی است. روش دلفی یا تکنیک دلفی یک روش ساختاریافته و دارای چهارچوب برای ارتباط گروهی میان کارشناسان و خبرگان است تا بتوانند به کمک آن، تصمیم‌گیری و تحلیل در شرایط ابهام را با حداقل خطای ممکن انجام دهند.

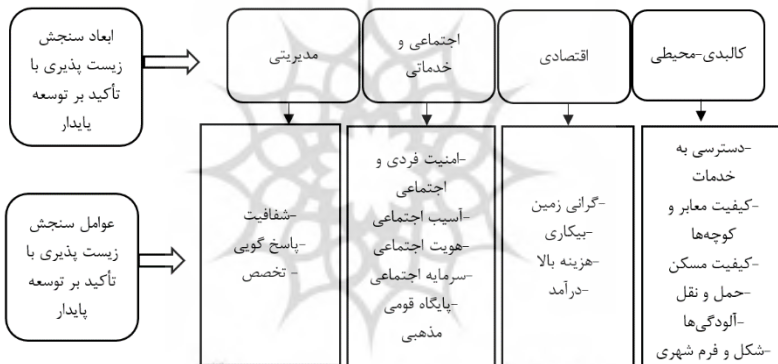
هدف اصلی تکنیک دلفی دستیابی به اجماع گروهی از خبرگان است بدون آنکه خبرگان از وجود هم اطلاع داشته باشند. پژوهشگران مدیریت به‌طور خاص از این تکنیک برای اعتبارسنجی شاخص‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. بنابراین با وجود اینکه این روش یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره نیست اما در بسیاری موارد قبل از به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره از این تکنیک برای غربال شاخص‌ها یا رسیدن به یک توافق در زمینه اهمیت شاخص‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. به این ترتیب، جمعیت کارشناسان، به زیر جمعیت‌های واحد

تقسیم می‌شود. وقتی که طبقات معلوم شدند، یک نمونه از هر طبقه استخراج می‌شود. به این معنا که در میان شهرداری منطقه ۱۲ تهران، دفاتر توسعه محله‌ای سیروس و دانشکده محیط‌زیست، تهران و ... به‌عنوان طبقه اول انتخاب شدند. پس‌از آن از هر طبقه تعدادی از کارشناسان و خبرگان به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. همچنین با توجه به اینکه جامعه آماری مورد مطالعه تعداد ۳۸۴ نفر رسیده است از فرمول کوکران استفاده شده است. از جمله موارد بسیار مهمی که در استفاده از این فرمول‌های باید در نظر گرفت ماهیت متغیر مهم و مورد بررسی در مطالعه می‌باشد. در مواردی که حجم جامعه معلوم باشد و حجم نمونه تعیین شده از ۵٪ حجم جامعه فراتر رود می‌توان از فرمول تصحیح حجم نمونه کوکران برای جوامع محدود استفاده کرد. استفاده از این فرمول باعث می‌گردد که تا حدودی حجم نمونه نهایی در مطالعه کاهش یابد.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. برای تحلیل زیست‌پذیری و دوگانگی فضایی از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون نمونه یکی از انواع آزمون میانگین ویژگی‌های یک جامعه در ابعاد مختلف است. برای آزمون پاسخ سوالات پیرامون میانگین ویژگی‌های یک جامعه از آزمون تی تک نمونه می‌توان استفاده کرد. در بیشتر پژوهش‌هایی که با طیفی از گزینه‌های بسیار خوب تا بسیار بد (لیکرت) انجام می‌شوند جهت پاسخ به سوالات استخراج شده پژوهش از این آزمون استفاده می‌شود. علاوه بر آزمون مذکور از مدل اموس (مدل‌سازی معادله ساختاری) استفاده شده است. جامعه آماری در این مدل را ۱۸۰ نفر از کارشناسان تشکیل می‌دهد. مدل‌سازی معادله ساختاری در حقیقت یک روش تحلیل چند متغیری بسیار دقیق است که امکان هم‌زمان مورد آزمون قراردادن معادلات را فراهم می‌کند. اموس مدل‌سازی معادله ساختاری را به روش ترسیمی انجام می‌دهد به‌صورتی که می‌توان با سرعت بالا مدل معادله را تعریف کرد و محاسبات دقیق را بر روی آن انجام داد. مدل معادلات ساختاری یک ساختار برای تحلیل روابط علت و معلول برای عناصری است که قابل مشاهده نیستند و متشکل از دو عامل است: یک مدل ساختاری که روابط علت و معلول میان متغیرهایی که قابل مشاهده نیست را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابطی بین متغیرهای غیرقابل مشاهده و متغیرهای مشاهده‌شده را تعریف می‌کند. متغیرهای تحقیق در ابعاد پنج‌گانه در شکل شماره ۳ و ۴ ذکر شده است.



شکل شماره (۳): عوامل کلان تأثیرگذار بر تحلیل زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار شهری



شکل شماره (۴): عوامل خرد تأثیرگذار بر تحلیل زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار شهری

جدول ۱: تعداد سازمان‌ها و افراد مشارکت‌کننده

درصد	فراوانی	جنسیت		سازمان‌ها
		زن	مرد	
۴۴/۹۰	۱۷۲	۶۵	۱۰۷	شهرداری منطقه ۱۲ تهران
۰/۷۸	۳۰	۹	۲۱	دفتر توسعه محله‌ای سیروس
۴۷/۲۵	۱۸۱	۷۰	۱۱۱	دانشگاه‌ها
۱۰۰	۳۸۳	۱۴۴	۲۳۹	مجموع

۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی ابعاد زیست‌پذیری شهری در راستای توسعه پایدار در محله سیروس در ۵ بعد و عوامل استخراج‌شده از آن، از وضعیت موجود محله استخراج‌شده و بعد از دادن امتیاز به عامل‌ها، در آزمون تی‌تک نمونه‌ای سطح معناداری و میانگین آن‌ها محاسبه‌شده است.

جدول ۲: وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ به لحاظ بعد اقتصادی

آزمون تی تک نمونه						
بعد مورد مطالعه	تعداد نمونه	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین
اقتصادی	۳۸۳	۲۴-/۱۰۵	۳۸۲	۰۰۰	۳-/۸۷۲۸	۱۱/۱۲۲۷

بر اساس جدول شماره ۱ سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) است، از همین رو این فرض که بعد اقتصادی در جامعه با برابری میانگین مطلوبیت مواجه می‌شود، با متوسط ارزشی مورد نظر با مقدار در نظر گرفته شده رد می‌شود. علاوه بر این با توجه به میزان اختلاف میانگین می‌توان گفت که مطلوبیت وضعیت بعد اقتصادی به‌طور کلی در محله سیروس منطقه ۱۲ از حد متوسط پایین‌تر است.

جدول ۳: وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ به لحاظ بعد کالبدی

آزمون تی تک نمونه						
بعد مورد مطالعه	تعداد نمونه	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین
کالبدی و خدمات	۳۸۳	۷/۰۲۶	۳۸۲	۰۰۰	۷/۲۲۴۵۴	۱۳۹/۲۲۴۵

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نیز آمده است، سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) است، بر این اساس احتمال بعد کالبدی در جامعه مورد مطالعه با برابری حد مطلوب میانگین و با متوسط ارزشی تعیین‌شده رد شده است. همچنین با توجه به میزان اختلاف میانگین می‌توان گفت که مطلوبیت وضعیت بعد کالبدی محله سیروس در منطقه ۱۲ بالاتر از حد متوسط است. می‌توان گفت بعد مورد نظر در محله، به‌طور کلی از وضعیت خوبی برخوردار است. دلیل این وضعیت میانگین حاصل از بررسی بعد کالبدی، بالاتر از متوسط ارزشی تعیین‌شده است. به نظر می‌رسد این

وضعیت مطلوب بی‌ارتباط با تمرکز مراکز تجاری منطقه به‌ویژه در محله‌ها بازار و خطوط و ایستگاه‌های اصلی حمل‌ونقل مترو و پایانه‌های اتوبوس‌رانی نباشد.

جدول ۴: وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ به لحاظ بعد محیطی

آزمون تی تک نمونه						
میانگین	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	تعداد نمونه	بعد مورد مطالعه
۳۶/۱۲۷۹	-۲/۸۷۲۰۶	۰۰۰	۳۸۲	۷-/۰۱۵	۳۸۳	محیطی

همان‌طور که وضعیت زیست‌پذیری به لحاظ بعد محیطی در جدول آزمون تی تک نمونه‌ای قابل ملاحظه است، سطح معناداری کمتر از مقدار (۰/۰۵) است، بنابراین فرض برای بعد محیطی بر اساس برابری میانگین مطلوبیت در جامعه مورد مطالعه با حد متوسط ارزشی تعیین‌شده رد می‌شود. علاوه بر این با توجه به میزان منفی بودن تفاوت میانگین که حاصل تفاوت ارزش مورد آزمون با میانگین به‌دست‌آمده است می‌توان نتیجه گرفت که مطلوبیت وضعیت بعد محیطی در محله سیروس منطقه ۱۲ حد متوسط پایین‌تر است. بنابراین می‌توان گفت بعد محیطی در محله سیروس به‌طور کلی وضعیت نامطلوب و نامناسبی دارد.

جدول ۵: وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ به لحاظ بعد مدیریت شهری

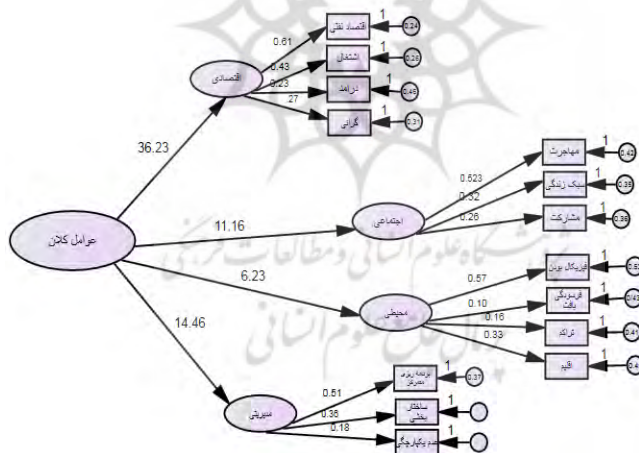
آزمون تی تک نمونه						
میانگین	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره تی	تعداد نمونه	بعد مورد مطالعه
۸/۲۵۳۳	-۳/۷۴۶۷۴	۰۰۰	۳۸۲	-۳/۹۶۲	۳۸۳	مدیریت شهری

در آزمون تی تک نمونه انجام‌شده در بعد مدیریت شهری، سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) است، از این‌رو می‌توان گفت فرض برابری میانگین مطلوبیت بعد مدیریت شهری در جامعه با متوسط ارزشی مورد رد می‌شود. همچنین با توجه به مقدار منفی اختلاف میانگین و مقدار میانگین می‌توان گفت که میزان مطلوبیت بعد مدیریت شهری در سطح محله سیروس منطقه ۱۲ حد متوسط پایین‌تر است. از این‌رو ارزیابی کلی از وضعیت بعد مورد مطالعه در مجموع نامناسب و نامطلوب بوده است.

جدول ۶: وضعیت زیست‌پذیری محله سیروس در منطقه ۱۲ به لحاظ بعد مدیریت اجتماعی

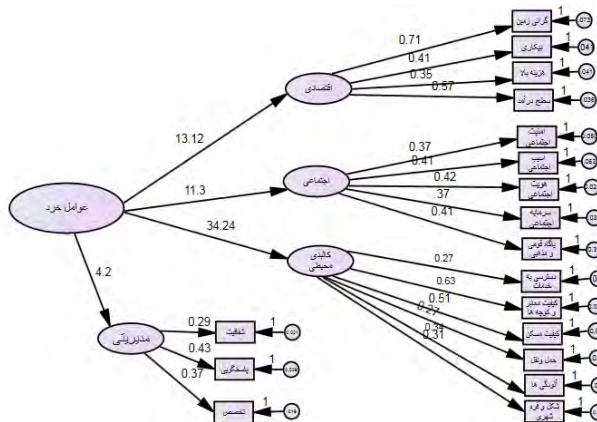
آزمون تی تک نمونه						
بعد مورد مطالعه	تعداد نمونه	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین
اجتماعی	۳۸۳	۴/۲۴۳	۳۸۲	۰۰۰	۲/۹۴۵۱۷	۷۷/۹۴۵۲

همان‌گونه که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) به‌دست‌آمده است، بنابراین فرض برابری میانگین مطلوبیت بعد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه با متوسط ارزشی تعیین‌شده رد می‌شود. علاوه بر این با توجه به اختلاف میانگین به‌دست‌آمده می‌توان گفت که حد مطلوب وضعیت بعد اجتماعی در محله سیروس بالاتر از حد متوسط تعیین‌شده است. از این رو می‌توان گفت بعد مورد نظر در محله به‌طور کلی وضعیت مطلوبی در منطقه دارد. علاوه بر این با استفاده از مدل معادلات ساختاری عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار با استفاده از نرم‌افزار اموس محاسبه‌شده است. نتایج تحلیل در شکل شماره ۳ قابل مشاهده است.



شکل شماره (۵): عوامل کلان مؤثر بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار با استفاده از

مدل‌سازی معادله ساختاری

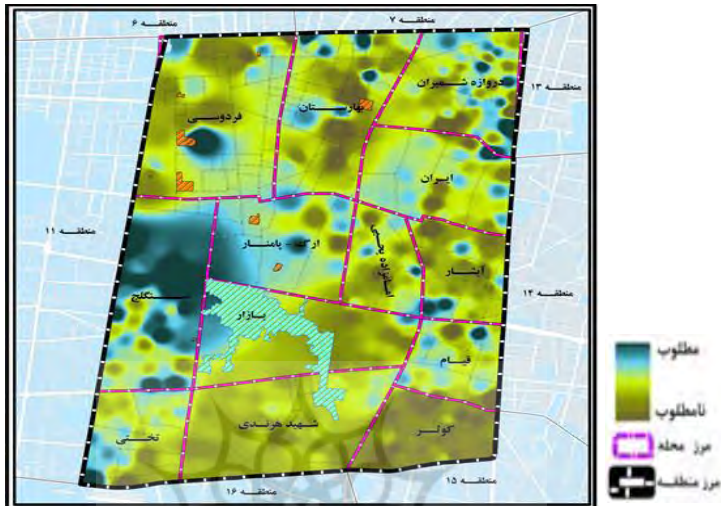


شکل شماره (۶): عوامل خرد مؤثر بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری

میزان تأثیر عوامل کلان در محله با ضریب بتای $21/42$ نسبت به عوامل خرد بسیار بیشتر می‌باشد. به عبارتی دیگر میزان تأثیر عوامل کلان بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار بیشتر است و این نشان می‌دهد که با توسعه شاخص‌های کلان، زیست‌پذیری محلات شهری تهران نیز مطلوب‌تر می‌شود. در بین عوامل کلان عامل اقتصادی با ضریب بتای $36/23$ ، مدیریتی $14/46$ ، اجتماعی با $11/16$ و محیطی با $6/23$ به ترتیب بیشترین تأثیر بر زیست‌پذیری دارند.

همچنین عوامل خرد در زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار نشان می‌دهد که میزان تأثیر عوامل خرد در منطقه با ضریب بتای $4/53$ نسبت به عوامل کلان کمتر می‌باشد. به عبارتی دیگر میزان تأثیر عوامل خرد بر زیست‌پذیری کمتر است و این نشان می‌دهد که با توسعه شاخص‌های خرد، سطح زیست‌پذیری محلات منطقه ۱۲ تهران نیز کمتر دچار تغییر می‌شود. در بین عوامل خرد عامل کالبدی با ضریب بتای $34/24$ ، مدیریتی $13/126$ ، اجتماعی با $11/3$ و محیطی با $4/23$ به ترتیب بیشترین تأثیر بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار را دارند.

بر اساس نتیجه یافته‌ها در راستای سؤال مطرح‌شده در پژوهش می‌توان گفت ابعاد پنج‌گانه کالبدی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بر زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار تأثیرگذار است.



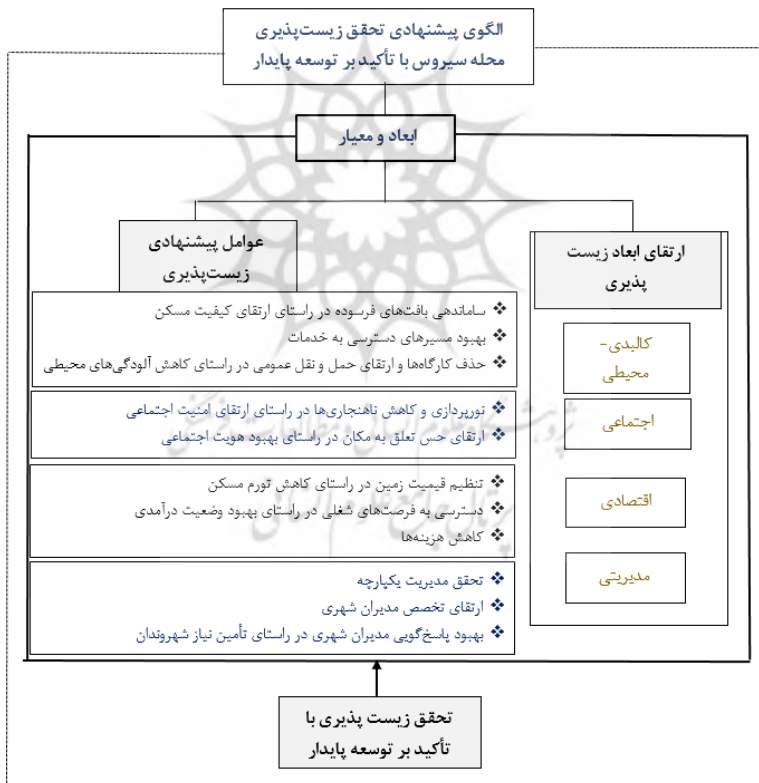
شکل شماره (۷): وضعیت زیست‌پذیری منطقه ۱۲ با تأکید بر محله سیروس (بازار) با توجه به ابعاد

پنج‌گانه (Khazainejad, 2018)

با توجه به ابعاد مختلف مورد بررسی در این پژوهش، در این بخش به بررسی وضعیت کلی زیست‌پذیری در منطقه ۱۲ و محله‌های آن پرداخته شده است. همان‌طور که در نقشه درون‌یابی زیست‌پذیری منطقه مشاهده می‌شود، به‌طور کلی در منطقه ۱۲، غلبه با وضعیت نامطلوب و متوسط می‌باشد. الگوی کلی زیست‌پذیری منطقه شمالی جنوبی است. به‌گونه‌ای که از سمت شمال به جنوب منطقه از مطلوبیت آن کاسته می‌شود. البته لازم به ذکر است که لکه‌های وضعیت مطلوب در قسمت شمالی منطقه بسیار محدود و پراکنده است. با وجود این و در مقایسه با شرایط کلی منطقه در نیمه جنوبی آن می‌توان گفت قسمت شمالی وضعیت بهتری نسبت به نیمه جنوبی منطقه دارد. در خصوص محله‌ها و از آنجاکه تمرکز و فشردگی رنگ آبی که نشانگر وضعیت مطلوب زیست‌پذیری است (جز در موارد بسیار محدود و جزئی) در غرب منطقه و در محله سنگلج و بخش‌هایی از محله پامنار مشاهده می‌شود. همچنین بیشترین تمرکز وضعیت نامطلوب که به‌طور تقریباً یکنواخت می‌باشد، در محله کوثر و پس از آن در محله شهید هرنندی مشاهده می‌شود. یکنواختی و گستردگی

این وضعیت در محله‌های نام برده حکایت از غلبه کلی و شدید نازیبست‌پذیری این محله‌ها دارد. محله بازار نیز کم‌وبیش در وضعیتی بسیار نزدیک به دو محله یادشده دارد. بر اساس تحلیل ابعاد و معیارهای کالبدی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی در الگوی پیشنهادی که در شکل شماره ۸ اشاره شده باید یک رابطه متقابل بین ابعاد مذکور و عوامل استخراج شده از آن وجود داشته باشد.

کاهش هر بُعد و عامل می‌تواند بر سایر ابعاد و عوامل تأثیرگذار باشد. از این رو بهتر است به صورت یکپارچه تمام ابعاد ارتقا یابد و ارتباط متقابل بین آن‌ها برقرار باشد. در نتیجه می‌توان گفت ارتقای تمام عوامل کالبدی- خدماتی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی به صورت یکپارچه موجب تحقق زیست‌پذیری در محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار می‌شود.



شکل شماره (۸): الگوی پیشنهادی تحقق زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

روند رشد و توسعه سریع شهرنشینی مشکلات متعددی را در ابعاد مختلف محیطی، کالبدی- فیزیکی، نابرابری اجتماعی و اقتصادی به وجود آورده است و منجر به کاهش میزان زیست‌پذیری شده است. با توجه به زمینه‌های نظری زیست‌پذیری، انتظار می‌رود فرایند افت زیست‌پذیری شده شهری در قالب عواملی چون کاهش حس تعلق به مکان، خروج جمعیت، تغییرات نامطلوب کاربری، فرسودگی و زوال کالبدی در محدوده مطالعاتی ظاهر شده باشد. با عنایت به اینکه زیست‌پذیری محصول عملکرد طبیعی سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و مدیریتی است که شهر را به وجود می‌آورد، هرکجا که شهر از این تعادل و توازن فاصله بگیرد، زیست‌پذیری آن دچار آسیب و مشکل شده و پیامدهای گوناگونی برای شهر در پی خواهد داشت. مطالعه وضعیت موجود محله سیروس (بازار) و بررسی در آمارها، نقشه‌ها و ... حکایت از تغییراتی منفی در وضع موجود منطقه نسبت به گذشته آن دارد.

از سوی دیگر یافته‌های حاصل از آزمون تی‌تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که:

- ❖ وضعیت بعد اقتصادی در محله سیروس (بازار) پایین‌تر از حد متوسط است و در وضعیت نامناسبی قرار دارد.
- ❖ وضعیت بُعد کالبدی و خدمات در محله سیروس (بازار) بالاتر از حد متوسط است و در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد و می‌توان گفت تمرکز مراکز تجاری منطقه بر وضعیت اجتماعی محله سیروس و محله‌های مجاور آن تأثیر مثبت داشته است؛
- ❖ وضعیت بُعد محیطی در محله سیروس (بازار) پایین‌تر از حد متوسط است و در وضعیت نامناسبی قرار دارد.
- ❖ وضعیت بُعد مدیریتی در محله سیروس (بازار) پایین‌تر از حد متوسط است و در وضعیت نامناسبی قرار دارد.
- ❖ وضعیت بُعد اجتماعی در محله سیروس (بازار) بالاتر از حد متوسط است و در وضعیت مناسبی قرار دارد.

علاوه بر این بر اساس یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری، در سطح کلان عوامل اقتصادی و در سطح خرد عوامل کالبدی بیشترین تأثیر در زیست‌پذیری محله سیروس با تأکید بر توسعه پایدار را دارد.

با توجه به تحلیل یافته‌ها برای ارتقای سطح زیست‌پذیری محله سیروس و سایر محلات منطقه ۱۲ که سطح زیست‌پذیری با تأکید بر توسعه پایدار در آن‌ها پایین

است، بهتر است میزان برخورداری از فضاهای آموزشی مناسب و کافی (مدارس، مهدکودک، دانشگاه‌ها) متناسب به جمعیت محله باشد. امکانات تفریحی و اوقات فراغت اعم از کتابخانه، رستوران، اماکن تاریخی و فرهنگی، سینماها و ... ارتقا پیدا کند؛ ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی و تعدد بیمارستان و درمانگاه متناسب با ظرفیت جمعیت باشد؛ امنیت فردی و اجتماعی توسط مدیریت شهری در محله برقرار شود؛ از مشارکت شهروندان در تهیه برنامه‌های توسعه محله‌ای استفاده شود؛ اشتغال و درآمد برای شهروندان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی متعدد تحقق یابد و درنهایت ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی به‌طور مناسب توزیع شود.

۱-۶. پیشنهادها

الف) انجام مطالعات و تحقیقات بیشتر در زمینه زیست‌پذیری شهری و تدوین اصول و شاخص‌های آن: با توجه به محدودیت و کمبود اطلاعات موجود در خصوص زیست‌پذیری و اهمیت و نقش آن در بهبود زندگی اجتماعات انسانی در شهرهای ایران و مناطق آن و با در نظر داشت سکونت بیش از ۷۰ درصد جمعیت شهری کشور در شهرها و لزوم تأمین نیازها، امکانات و خواسته‌های این جمعیت عظیم، انجام مطالعات بیشتر در زمینه زیست‌پذیری لازم و ضروری است.

ب) تلاش در جهت ارتقای مطالعات زیست‌پذیری: چنان‌که در پیشینه پژوهش و مطالعات انجام‌شده در زمینه زیست‌پذیری نشان داده شد، در سال‌های اخیر مطالعاتی در این زمینه در شهرها و مناطق مختلف انجام شده است. از این‌رو، اگرچه مطالعات در این زمینه هنوز در مراحل اولیه و گام‌های نخستین حضور در مباحث علمی و برنامه‌ریزی شهری در کشور است، اما آنچه لازم و ضروری است، ارتقا و تغییر ماهیت مطالعات و پژوهش‌ها از شناخت صرف وضعیت موجود، به شناخت عوامل و فرایندهای به وجود آورنده و مؤثر بر زیست‌پذیری است.

ج) تلاش برای جلب توجه و نظر مدیریت شهری به اصول و شاخص‌های زیست‌پذیری: با توجه به اهمیت مفهوم زیست‌پذیری در سرزندگی و بهبود وضعیت مکان از یک‌سو و تأثیر گسترده و قابل توجه مدیریت شهری و تصمیمات خرد و کلان آن در بهبود زیست‌پذیری یک مکان از سوی دیگر، آشنایی و اطلاع تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان از ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری بسیار لازم و ضروری است.

د) اقدامات و راه‌کارهای اجرایی برای افزایش زیست‌پذیری منطقه ۱۲ و محله‌های آن: با توجه به ابعاد و شاخص‌های مختلف اثرگذار بر وضعیت زیست‌پذیری یک مکان و با عنایت به وضعیت موجود منطقه ۱۲ و محله‌های آن به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدامات لازم به‌منظور افزایش و بهبود زیست‌پذیری عبارت‌اند از: نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری (تسهیلات مالی دولتی، وام، تخفیف و ...) تسریع در ساماندهی کالبدی و اجرای طرح‌های بازآفرینی، ممانعت و جلوگیری از تغییر بیشتر کاربری‌ها در این منطقه، اختلاط کاربری‌ها، گسترش زون‌های پیاده‌رو، بازسازی و حفظ نمای ساختمان‌ها و بناهای تاریخی، افزایش امکانات تفریحی، افزایش فضای سبز از طریق اراضی تخریبی و عمومی، افزایش فعالیت‌های شبانه، نورپردازی، آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی (بساط، عرضه بی‌واسطه کالا، تنوع کالاها)، تقویت مشارکت مردمی در فرایند بازآفرینی، هماهنگی و همکاری بیشتر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، ارتقای سرمایه اجتماعی، اصالت بخشی (اعیان‌سازی) و جلوگیری از خروج بیشتر جمعیت.



References

- Aref Hosseini, A. P. (2019). Measurement and subjective evaluation of livability in the urban contexts of Kalanshertbriz. *Scientific Journal of Geography and Planning*, 74-92.
- Ashnoyi nosh Abadi, A. E. (2020). Determining key drivers affecting livability with a future research approach (case study: Kashan). *Scientific Journal of Geography and Planning*, 19.
- Brian, C. M. (2009). Education for Sustainable Development. *Papers in Honor of the United Nations Decade of Education for Sustainable Development*, 204.
- Carmona, m. &. (2002). measuring quality in planning managing the performance spon. *press London and New York*, 209.
- Dongsheng, Z. M. (2018). *Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China, Cities*. china: 79.
- Dongsheng, Z. M. (2018). *ssessment and determinants of satisfaction with urban livability in China, Cities*. china: china.
- Evans, P. (2002). *ivable Cities? "Urban Struggles for Livelihood and Sustainabilit University of California*. California: Ltd.
- Evans, P. (2002). *ivable Cities? "Urban Struggles for Livelihood and Sustainabilit University of California*. California: Ltd.
- Faraji Melai, A. (2014). Investigating the quality of the environment of worn-out fabric in Moft neighborhood, Abad district 13, Tehran. *quarterly magazine of city landscape research*, 61-87.
- Flynn, P. b. (2002). stainably & quality of life indicators: toward the integ ration of economic, social and environmental measures. *social health*, 7.
- Fouladi, E. B. Behbahaninia, A. (2023). Achieving Environmental Security by Emphasizing the Importance of Environmental Standards in Strategic Urban Development Plans (Tehran Case Study). *Strategy*, 165-193.
- Gooderzi, H. Y. (2018). Analyzing the livability of urban areas in sustainable development (Study: Region 22),. *Geography and Human Relations Quarterly*, 9.
- Hall, p. (2003). smart Growth on two continedis, in p Neal. ed. Urban villages and the making of communities. *press London*, 214.
- Heydari, M. k. (2017). Analyzing livability in urban spaces with a physical approach; Case study: Zanjan city. *Geography Quarterly (Regional Planning)*, 23-40.
- ingjing Liu, J. C. (2022). *hreshold effect of tourism density on urban livability: a modeling study on Chinese cities*. china: Springer.
- kazemian, G. a. (2021). From the point of view of governance; Explaining the challenges of Tehran's urban construction management in the path of creating sustainable development. *Strategic scientific quarterly*, 635-689.

- Kazemian, G. R. (2016). The place of new and renewable energies in making cities more livable, a case study of Tehran city. *ournal of Urban Research and Planning*, 99-118.
- Khazainejad, F. (2018). Analysis of livability in the central part of Tehran, subject of research: District 12 neighborhoods. *Geography and development of urban space*, 45-70.
- Khorasani, M... (2012). Explaining the livability of peri-urban villages with the quality of life approach of a case study of Varamin city., *tehran university*, 74.
- Khorasani, M... (2015). A reflection on the concept of livability; Recognition, assessment and approaches. *bimonthly research in art and human sciences*, 9-15.
- Khorasani, M. (2015). A reflection on the concept of livability; Recognition, assessment and approaches. (*Khorasani, A reflection on the concept of livability; Recognition, assessment and approaches, 2015*), 9-15.
- Kovacs, A. A. (2020). Opportunities and Challenges of Geospatial Analysis for Promoting Urban Livability in the Era of Big Data and Machine Learning. *International Journal of Gei Information*, 32.
- Majdi, H. B. (2009). Examining global and local standards of livable city. *City identity*.
- Majed, v. M. (2012). Sustainable urban development planning with nuclear planning approach. *Strategic scientific quarterly*, 44-72.
- Mehranjani, S., M., M., & H., B. Z. (2012). Measuring the quality of life in transitioning urban neighborhoods (Study case: Shemiran Gate neighborhood of Tehran's 12th district). *International Quarterly Journal of the Geographical Society of Iran*, 38-45.
- Mousavi, N. Z. (2016). Analysis of the effects of scattered urban growth on the livability of urban areas, case: Maragheh city. *Urban Research and Planning Journal*, 1-18.
- Salehi Fard, M. (2003). valuation of the role and place of the sustainable urban development model in the structure of urbanization in Iran., *olitical economic information*, 146-153.
- Sarafi, M. R. (2018). Measuring and evaluating the condition of street livability components from the perspective of citizens (case study: Waliasr Street, Tehran). *New Attitudes in Human Geography*, 3-10.
- Shalchi, V. J. (2015). Reproducing social inequality in Tehran through the interaction of capital and space. *Social and Cultural Development Studies Quarterly*, 87-120.
- Soleimani Mehranjani, M. M. (2012). Measuring the quality of life in transitioning urban neighborhoods (Study case: Shemiran Gate neighborhood of Tehran's 12th district). *International Quarterly Journal of the Geographical Society of Iran*, 38.
- Urooj, S. S. (2022). An Integrated Approach for Developing an Urban Livability Composite Index—A Cities' Ranking Road Map to Achieve Urban Sustainability., *Sustainability*, 14.

- YingqiCao, F. D. (2021). Urban livability: Agent-based simulation, assessment, and interpretation for the case of Futian District, Shenzhen. *Cleaner Production*, 128.
- Zanella, A., Camanho, A., & Dias, T. (2015). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. *Ann. Oper. Res.*, 695-726.
- Ziyari, K. H. (2017). evaluation and prioritization of livability components in Bam city. *Urban Social Geography*, 19-24.

